

تحلیل فرهنگی خانه سلماسی تبریز براساس نظریه ریپورت

فرزین فردانش *

پریسا محمدحسینی **

علی اکبر حیدری ***

تاریخ دریافت: ۹۲/۱/۱۵ تاریخ پذیرش: ۹۲/۱۲/۱۴

چکیده

در این تحقیق با فرض اینکه خانه بیانی از فرهنگ است، سعی در شناخت خانه‌ای قاجاری در تبریز و چگونگی ارتباط آن با بستر فرهنگی شده است. بدین منظور، از دیدگاه ایمس ریپورت در تدوین چارچوب نظری این تحقیق بهره گرفته شده است. استفاده از دیدگاه وی علاوه بر این که به شناخت خانه سلماسی و مختصات آن کمک می‌کند، به ارائه روشی می‌انجامد که می‌توان از آن برای فهم و خوانش مصادیق معماری ایران، از جمله خانه‌ها سود جست؛ زیرا ریپورت برای تبیین ارتباط میان محیط مصنوع و فرهنگ، تعاریف و راهکارهایی براساس مطالعات محیطی - رفتاری ارائه داده است. در بررسی خانه راهکار سه‌مرحله‌ای پیشنهادی ریپورت، تفکیک، تحلیل و تعمیم به کار گرفته شده است؛ نخست، دو مفهوم فرهنگ و محیط مصنوع به متغیرها و اجزایی متناسب با موضوع تفکیک شد؛ سپس پیوند و ارتباط میان اجزاء، در کل و جزء، تحلیل و بررسی گردید؛ در گام نهایی نیز با تجمیع و ترکیب دوباره اجزا و تبیین پیوند میان آن‌ها سعی شد تعمیمی حاصل شود که طی آن فهمی مناسب از پیوندهای اساسی خانه و بستر فرهنگی آن به دست آید. برای انجام پژوهش موردی حاضر که حاوی نظریه مبناست، راهبردی ترکیبی برای تبیین و گردآوری اطلاعات لازم به کار گرفته شده است؛ مطالعات مقدماتی برای آشنایی با بستر زمانی و مکانی مصداق؛ مصاحبه عمیق با ساکنان قدیمی خانه سلماسی برای آشنایی با زندگی و کیفیت رفتار در خانه؛ و مشاهده و بررسی صورت کالبدی خانه. یافته‌های تحقیق شامل چگونگی تطبیق صورت کالبدی خانه سلماسی با خواست‌ها، نیازها و در کل با ویژگی‌های فرهنگی اهالی آن است. در پایان، با توجه به تجربه حاصل از تحقیق، به محدودیت‌ها و احتیاط‌هایی اشاره می‌شود که بایستی در مطالعه مصادیق مشابه در نظر گرفته شود.

کلیدواژه‌ها

ایمس ریپورت، مطالعات محیطی- رفتاری، خانه قاجاری، تبریز، فرهنگ ایرانی.

* استادیار دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه شهید بهشتی

** کارشناس ارشد مطالعات معماری ایران، دانشگاه شهید بهشتی، نویسنده مسئول. Parisamh22@gmail.com

*** پژوهشگر دکتری معماری، دانشگاه علم و صنعت ایران، عضو هیئت علمی دانشگاه یاسوج

پرسش‌های پژوهش

۱. فرهنگ ساکنان خانه سلماسی چگونه در تصور و صورت خانه و عناصر و اجزای آن تجلی یافته است؟
۲. بهره‌گیری از دیدگاه رپوپورت برای شناخت خانه سلماسی چه نتایجی به دنبال دارد؟
۳. آیا بهره‌جستن از دیدگاه رپوپورت برای شناخت مصادیق مشابه موضوع تحقیق حاضر مناسب است؟

مقدمه

معماری هر سرزمین جلوه‌ای از فرهنگ آن سرزمین است. معماری ایران نیز آیین فرهنگ ایرانیان است؛ می‌توان مختصات فرهنگ ایرانی را در معماری غنی و پربرابر ایرانی جست‌جو کرد و برعکس. در این میان، خانه قدیمی‌ترین و نزدیک‌ترین مکان و ملجأ زندگی آدمی، یکی از مظاهر گویای پیوند معماری و فرهنگ است. فهم معماری خانه از طریق فهم پیوند میان کالبد معماری و زندگی و فرهنگ جاری در آن ممکن می‌شود. خانه‌های تاریخی ایران نیز بخشی از گنجینه عظیم و پربرابر تاریخ معماری ایران است که به شناختن و شناساندن نیاز دارد. در نوشتار حاضر، خانه‌ای قاجاری در تبریز برگزیده شده و کوشش شده است تا معماری این خانه از منظر تبیین ارتباط آن با بستر فرهنگی مورد بررسی قرار گیرد.

فرهنگ مفهومی با تعاریف بسیار است. می‌توان از وجوه مختلف این مفهوم و ارتباط آن با موضوعات و مفاهیم دیگر را مورد مذاقه قرار داد. البته نیل به مقصود و دستیابی به فهمی درست مستلزم وجود چارچوب و روش مناسب است. در نوشتار حاضر، به‌منظور درک چگونگی پیوند فرهنگ و کالبد خانه از دیدگاه ایمنس رپوپورت^۱ در این رابطه سود جسته‌ایم؛ زیرا رپوپورت صاحب‌نظری است که به موضوع برهم‌کنش معماری و فرهنگ، در راستای مطالعات محیطی- رفتاری^۲ پرداخته است و روش پژوهش او می‌تواند برای بررسی و شناخت معماری مصداق مد نظر، خانه سلماسی در تبریز، راه‌گشایی مناسب باشد. از طرفی، شناخت اندیشه رپوپورت و کاربرد دیدگاه وی در بستر فرهنگی ایران، استفاده از دیدگاه وی در مطالعه مصادیق معماری ایران را در بوته آزمایش قرار می‌دهد.

۱. تبیین دیدگاه رپوپورت

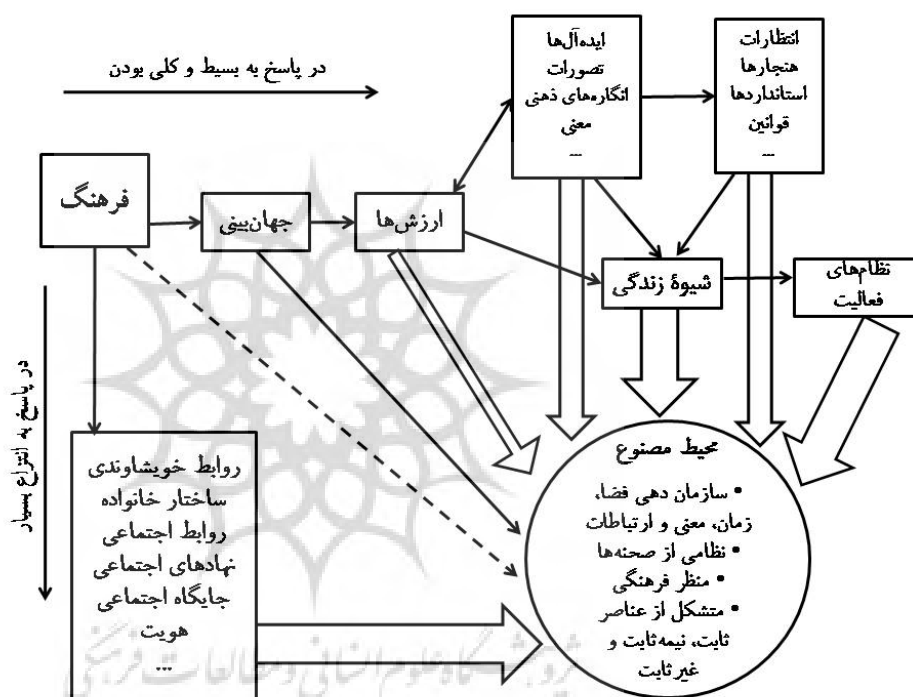
رپوپورت به‌منظور تبیین دیدگاه خود اقدام به مفهوم‌سازی و تعریف مجدد برخی موضوعات و مضامین اساسی می‌کند. او معتقد است که آشکارسازی مفاهیم کلی و انتزاعی از طریق تفکیک^۳ و مطالعه اجزا و مظاهر و طرق ارتباطی آن‌ها، یعنی تحلیل و سپس جمع‌بندی و ترکیب مجدد اجزا و متغیرها، روشی بسیار مناسب و کارآمد است (Rapoport 2003, 160) به نظر رپوپورت، محیط و فرهنگ مفاهیم زیربنایی در مطالعات محیطی- رفتاری هستند که نیاز به تبیین و تعریف دارند. البته برای تعریف موضوعات و مفاهیمی چون فعالیت و معنی نیز چنین روشی به کار گرفته شده است.

رپوپورت مفهوم محیط را با چهار شیوه متفاوت و در عین حال، مکمل و هماهنگ تعریف کرده است. محیط به‌مثابه: ۱. سازماندهی فضا، زمان، معنی و ارتباطات؛ ۲. سامانه‌ای از صحنه‌ها؛^۴ ۳. منظر فرهنگی؛ ۴. آمیزه‌ای از عناصر ثابت، نیمه‌ثابت و غیرثابت (Ibid, 161). این تعاریف در واقع، وجوه مختلف مفهوم محیط را از زوایای مختلف به تصویر می‌کشند. هر کدام از تعاریف مذکور در موقعیت‌های مختلف و براساس چارچوب نظری پژوهش، قابل بهره‌گیری هستند.

به‌منظور شناخت و درک کاربرد مفهوم فرهنگ نیز می‌توان به مطالعه مظاهر آن اقدام کرد. به این طریق حدود و جوانب فرهنگ تا حدودی آشکار می‌شود و درکی نسبی از کلیت آن به دست می‌آید (Ibid, 131) رپوپورت دو مسئله اساسی فرهنگ را گستردگی و کلیت بسیار^۵ و بسیار انتزاعی بودن^۶ آن می‌داند. او خواستار تبیین و وضوح بیشتر این مفهوم در مطالعات فرهنگی است.

رپوپورت تفکیک فرهنگ به اجزا و عناصر تشکیل دهنده را در دو مسیر پی می‌گیرد که هریک زمینه پاسخ به یکی از مسائل اساسی فرهنگ را مهیا می‌سازد. این دو مسیر متفاوت در عین حال مکمل هم نیز هستند و تعاملی چندگانه دارند. لذا لازم است که این دو مسیر هم‌زمان مورد توجه قرار گیرد. رپوپورت سعی کرده است در نموداری، موضوع تفکیک فرهنگ را به صورت خلاصه بیان کند. این نمودار در واقع تجمیع یکی از مهم‌ترین بحث‌های رپوپورت، یعنی تلاش برای عینی ساختن مفهوم فرهنگ و به‌کارگیری آن در مطالعات مربوط به رابطه محیط مصنوع و فرهنگ است (نمودار ۱).

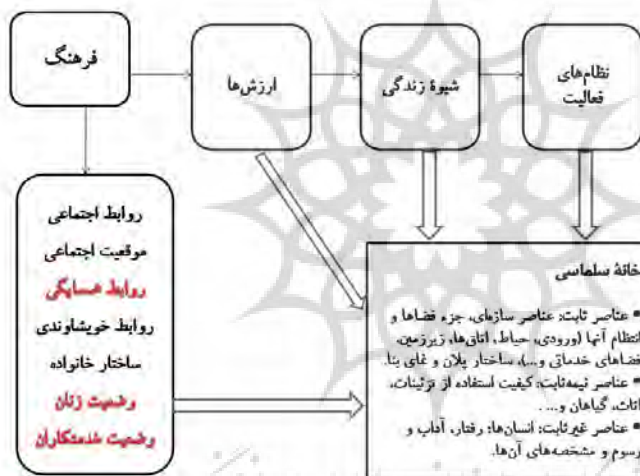
نمودار ۱: نمودار تفکیک فرهنگ؛ ارتباط متغیرها با یکدیگر و با محیط مصنوع نشان داده شده است (Rapoport 2003, 166).



در نمودار مذکور، نظام‌های فعالیت یکی از عینی‌ترین و ملموس‌ترین بیان‌های فرهنگ معرفی شده است. برای فهم چگونگی تأثیر نظام‌های فعالیت در محیط مصنوع، می‌توان آن را به سلسله مراتبی تفکیک کرد؛ از جمله: ۱. فعالیت محض؛ ۲. چگونگی انجام دادن آن فعالیت؛ ۳. چگونگی همکاری آن فعالیت با فعالیت‌های وابسته، در راستای شکل‌دهی به نظام فعالیت‌ها؛ ۴. معنی فعالیت (Ibid, 69). این الگو برای تمام فعالیت‌ها قابل استفاده است. تنوع فعالیت‌ها یکی از عوامل مهم در تنوع محیط‌های مصنوع است. نکته مهم این است که هر چه از جنبه کارکردی به سمت وجوه پنهان فعالیت یا کارکرد پیش روییم، میزان تنوع افزایش می‌یابد. تنوع در گزینه‌های ۲، ۳ و ۴ علت اصلی تنوع فعالیت‌ها به‌شمار می‌رود که به تبع در تنوع صحنه‌ها، موقعیت‌ها و ارتباط مابین آن‌ها نیز تأثیرگذار است (Ibid, 72). به‌غیر از فعالیت محض که وابسته به جنبه ثابت و نوعی انسان است، گزینه‌های دیگر تحت تأثیر فرهنگ قرار دارند.

۲. روش تحقیق

تحقیق حاضر پژوهشی موردی است که حاوی نظریه مبنا برای هدایت مراحل تحقیق است (گروت و وانگ ۱۳۸۶، ۳۴۱-۳۷۲). در این تحقیق، از دیدگاه رپوپورت به عنوان نظریه مبنا، برای تدوین برنامه پژوهش سود جستیم. به منظور تبیین و گردآوری اطلاعات نیز راهبردی ترکیبی به کار گرفته شده است که در ادامه به آن اشاره می‌گردد. در راستای کاربرد راهکار پیشنهادی ایمس رپوپورت، تفکیک و تحلیل و ترکیب، نمودار تفکیک مفاهیم (نمودار ۱) را مبنای روش تحقیق قرار داده‌ایم. با توجه به بعد تاریخی موضوع، مطالعه و بررسی برخی متغیرهای فرهنگی اشاره شده در نمودار مذکور، ناممکن یا دشوار می‌نمود؛ بنابراین، تعدادی از متغیرهای فرهنگی با توجه به قابل مطالعه بودن و میزان تأثیرگذاری انتخاب شدند. از آنجاکه در این تحقیق، دسترسی به افراد و شواهد مستقیم فرهنگی و اجتماعی و... وجود نداشت، دستیابی به اطلاعاتی مستند درباره متغیرهایی چون تصورات، ایده‌آل، انگاره‌های ذهنی و مانند آن‌ها ممکن نبود. از طرفی، براساس مطالعات مقدماتی و شناخت اولیه‌ای که از ساختار جامعه تبریز و شیوه زندگی خرده فرهنگ مورد مطالعه به دست آمد، برخی متغیرهای اجتماعی به نمودار اضافه شد؛ همچون روابط همسایگی، وضعیت زنان و وضعیت خدمتکاران (نمودار ۲).



نمودار ۲: نمودار چارچوب نظری تحقیق

محیط مصنوع مورد مطالعه در این تحقیق، خانه سلماسی، خانه‌ای قاجاری در تبریز است. با توجه به تعاریف رپوپورت از محیط، خانه سلماسی به عناصر ثابت و نیمه ثابت و غیر ثابت تفکیک شده است. این تعریف تناسب بیشتری با مصداق مورد مطالعه دارد و به مراتب عینی‌تر و قابل بررسی بیشتر است. در واقع، خانه مورد نظر در سه سطح مورد بررسی قرار گرفته است: عناصر ثابت عناصری هستند که به ندرت یا بسیار آهسته تغییر می‌کنند؛ مانند اجزای سازه‌ای، فضای خرد، ساختار نقشه و نمای بنا. تحلیل روابط و انتظام این عناصر در این سطح انجام شده است. عناصر نیمه ثابت، عناصری هستند که امکان تغییر و جابه‌جایی آن‌ها توسط استفاده‌کنندگان از محیط وجود دارد؛ مانند تزئینات داخلی و بیرونی، اثاث، گیاهان و ... که چرایی و چگونگی استفاده از آن‌ها مورد سؤال بوده است. عناصر غیر ثابت نیز شامل رفتار، آداب و رسوم و در کل ساکنان و فعالیت‌های ایشان است. این عناصر با متغیرهای فرهنگی و در عین حال، با ساختار کالبدی محیط ارتباطی مستقیم دارند.

۲-۱. شیوه‌های گردآوری اطلاعات

برای کسب اطلاعات لازم برای تحقیق از منابع و تدابیر مختلفی استفاده شده است. مطالعات و بررسی‌ها هم‌زمان و در یک راستا انجام شدند و این‌گونه امکان دستیابی به درکی مناسب از پیوند میان وجوه گوناگون حاصل شد:

- مطالعات مقدماتی: به منظور آشنایی با بستر فرهنگی، اجتماعی، جغرافیایی و تاریخی شهر تبریز و تبریزیان دوره اواخر قاجار و اوایل پهلوی؛
- مصاحبه عمیق با اهالی قدیمی خانه که تجربه و خاطراتی از زندگی در خانه سلماسی دارند، برای فهم نسبت بین رفتار و کالبد و ویژگی‌های فرهنگی ایشان؛

- مشاهده و بررسی میدانی خانه برای شناخت عناصر کالبدی و فهم صورت خانه.
غالب اطلاعات لازم برای تحقیق، از طریق مصاحبه شفاهی حاصل شده است که شیوه‌ای بسیار مناسب برای شناخت رفتارهای فرهنگی مربوط به خانه است. در مصاحبه، افراد بی‌واسطه در جریان پرسش‌ها قرار می‌گیرند و تجارب و خاطرات خود را بیان می‌کنند. همچنین این شیوه به علت دور بودن از موضوع و زندگی جاری در مصداق تحقیق می‌تواند تنها راهکار مناسب برای بررسی نقش ویژگی‌های فرهنگی اهالی خانه در تصور و صورت خانه و عناصر و اجزای آن باشد؛ البته ذکر این نکته لازم است که چون بیش از یک نسل از زندگی جاری در خانه در زمان قاجار می‌گذرد، مخاطبان مصاحبه کسانی هستند که در نهایت، دوره پهلوی اول را درک کرده‌اند و خاطراتی از زندگی ساکنان قاجاری در خانه دارند. لذا مقصود از ویژگی‌های فرهنگی در نوشتار حاضر، زندگی و رفتار در خانه در دوره اواخر قاجار و اوایل پهلوی است.

برای بررسی اجزای فرهنگی و محیطی اشاره شده در نمودار چارچوب نظری تحقیق (نمودار ۲)، تعدادی پرسش در قالب پرسش‌نامه برای مصاحبه با افراد مرتبط تدوین شد. پرسش‌ها با توجه به متغیرهای اشاره شده در نمودار ۲ دسته‌بندی شده بود: از معنی و کیفیت هر یک از متغیرهای اجتماعی و تأثیر آن بر کالبد خانه پرسش‌هایی مطرح شد؛ در پرسش‌های مربوط به نظام‌های فعالیت تفکیک چهارگانه فعالیت به فعالیت محض، چگونگی انجام دادن آن، فعالیت‌های وابسته و معنی فعالیت لحاظ شد؛ در پرسش از فضاهای خرد تفکیک محیط به عناصر ثابت، نیمه ثابت و غیرثابت در نظر گرفته شد. اما ارزش‌ها و شیوه زندگی مفاهیمی هستند که از کلیت بحث‌های مربوط به استفاده از فضاها و چگونگی رفتارها به دست آمدند. ارزش‌ها در معنی همه فعالیت‌ها و متغیرهای اجتماعی مستترند. شیوه زندگی نیز متغیری محسوس و در عین حال گسترده و همه‌جانبه است که تمام پرسش‌ها به نوعی پرسش از شیوه زندگی به شمار می‌رفت. اغلب پرسش‌ها چون «موضوع بحث» مطرح شدند. در این صورت، مصاحبه‌شوندگان برای پاسخ به پرسش‌ها آزادی و فراغ بال بیشتری احساس می‌کردند. در واقع، پرسش‌ها روند کلی بحث را به صورت هدفمند و مدون هدایت کرده و در عین جست‌وجوی پاسخ، از انحراف بحث‌ها ممانعت می‌کردند. در ادامه، بخش‌هایی از پرسشنامه برای نمونه آورده شده است:

...
چه کسانی خوشاوند محسوب می‌شدند؟ (محدوده روابط خوشاوندی چه بود؟)

خوشاوندان چه مواقعی و در چه وضعی به خانه می‌آمدند؟

خوشاوندان زن و مرد چه تفاوتی در ارتباط با تعامل با اهل خانه داشتند؟

آیا خوشاوندانی مانند عروس و داماد و... در خانه زندگی می‌کردند؟ اگر آری، چه فضایی به آن‌ها اختصاص داده شده بود؟ رابطه آن‌ها با هر کدام از افراد خانه چگونه بود؟

عروس و داماد خانواده چگونه انتخاب می‌شدند و چه ملاحظاتی در هنگام انتخاب آن‌ها وجود داشت؟

...

...

هریک از اتاق‌ها و فضاهای خانه به چه نامی خوانده می‌شد؟

تزئینات و تکلف در کدام بخش خانه (مجموعه فضاها؛ بیرونی یا اندرونی) بیشتر بود؟

کدام اتاق بیشترین اهمیت را داشت؟ و اهمیت آن چگونه نشان داده می‌شد؟

در هر اتاق، به طور معمول چه فعالیتی انجام می‌شد؟ آیا هر اتاق کارکردی خاص داشت؟

نور اتاق‌های مختلف در طول روز و شب چگونه تأمین می‌شد؟

نورگیر بودن اتاق چقدر اهمیت داشت؟ برای کدام اتاق‌ها؟ چرا؟

آیا بین اتاق‌ها ارتباطی بود؟ این ارتباط چگونه و در چه مواقعی به کار می‌آمد؟

اثاث و وسایل مورد استفاده در هر اتاق چه بود؟

اتاق‌های مختلف چه تزییناتی داشتند؟ چه تفاوتی از لحاظ تزیینات در اتاق‌ها وجود داشت؟ در طاقچه‌های اتاق‌های مختلف چه می‌گذاشتند؟ چرا؟ پوشش دیوارها و کف اتاق چه بود؟ از چه نوع زیراندازی و در چه ابعادی برای هر اتاق استفاده می‌شد؟ آیا در همه جای اتاق امکان نشستن بود؟ اگر تفاوتی وجود داشت این تفاوت چگونه مشخص می‌شد؟

...

...

آشپزخانه در کدام بخش خانه قرار داشت؟ یا چه فضاهایی ارتباط داشت؟ چگونه؟ چه کسانی در فعالیت آشپزی دخیل بودند (خرید، پخت و آماده‌سازی، نظارت)؟ هدایت دود آشپزخانه چگونه انجام می‌شد؟ نور آن چگونه تأمین می‌شد؟ سوخت آشپزخانه چگونه تأمین می‌شد؟ محل انبار سوخت کجا بود؟ اغلب مواد لازم برای آشپزی چه بود؟ چگونه تأمین می‌شد؟ مواد غذایی در کجا و چگونه انبار می‌شد؟ به چه میزان؟ برای حفظ آن‌ها چه می‌کردند؟ محل پخت نان کجا بود؟ آیا مکانی مجزا بود؟ در چه مواقعی استفاده می‌شد؟ چگونه؟

...

۳. پیشینه تحقیق

خانه مفهومی است که از جهات گوناگون شناسایی و بررسی شده است. خانه به‌علت ارتباط تنگاتنگی که با ابعاد مختلف زندگی انسان دارد، ماهیتی پیچیده و چندوجهی یافته است. تنوع تعاریف و ادبیات وسیعی که در رابطه با خانه وجود دارد، نشان از پیچیدگی و گونه‌گونی این پدیده از لحاظ مفهومی دارد. در ادامه، به برخی تصورات و دیدگاه‌های مختلف دربارهٔ خانه و سکونت اشاره می‌شود.

برخی صاحب‌نظران و معماران به جنبهٔ فیزیکی و کالبدی خانه توجه دارند و در پی شناخت خانه از این وجه هستند (Cramer 1960; Segal 1973). با این‌حال بسیاری از محققان سعی می‌کنند خانه را از جنبه‌های غیرکالبدی بررسی کنند. برخی پیش از پرداختن به موضوع خانه به موضوع عمیق‌تر سکونت توجه می‌کنند و آن را اساساً درونی و متعلق به نفس و ذهن آدمی می‌دانند که تنها محیطی از جنس و متناسب با آن می‌تواند زمینهٔ بیرونی سکونت را فراهم کند (طاهری ۱۳۹۲). برخی خانه را واحدی اجتماعی می‌دانند که در آن، پیوندهای تنیدهٔ خویشاوندی ارتباطی تنگاتنگ با معنی خانه دارد. (Gans 1962) می‌توان خانه را جدا از جنبهٔ کارکردی آن، به‌عنوان سرپناهی برای پناه‌گرفتن و گذران زندگی در نظر گرفت. خانه می‌تواند ابزاری برای بیان خویشتن و هویت آدمی باشد (Polikoff 1966; Appleyard Cooper_Marcus 1995; Rainwater 1966). یا این که واجد معانی نمادین گردد (Buttimer 1980; Tuan 1977). در این صورت، تنها ساختار کالبدی خانه مدنظر نیست، بلکه مفهوم خانه در هر سطح وجودی قابل بررسی و شناخت است (Norberg Schulz 1980). خانه، نه به‌تنهایی، بلکه در ارتباط با محیط پیرامون و در مقیاس‌ها و سطوح مختلف همسایگی، محله، شهر و... معنی می‌یابد.

توجه به ابعادی از خانه که نشان از گستردگی تأثیرپذیری و تأثیرگذاری مفهوم خانه در مفاهیم و موضوعات دیگر دارد، از مباحث متداول محققان است. بسیاری از محققان، به جنبه‌های فرهنگی و اجتماعی خانه پرداخته‌اند. هیوارد خانه را ساختاری وسیع می‌داند که مضامین و مفاهیمی چون قلمرو، خویشتن، هویت، پایداری، محرمیت و امنیت را پوشش می‌دهد و درواقع، واحدی فرهنگی-اجتماعی است (Hayward 1977). به نظر دیگران، خانه محمل فعالیت‌های فرهنگی و بیانی از فرهنگ است و درعین حال، هویت و پیوند فرد با جامعه را تجسم می‌بخشد (Gauvain, Altman and Fahim 1983). به‌نظر ریوپورت، خانه پیوند میان الگوهای زندگی و کالبد معماری را به‌وضوح نشان می‌دهد و بیان مستقیم ارزش‌ها، تصورات، ادراکات و شیوه‌های زندگی در حال تغییر است (Rapoport 1969). خانه نهادی اجتماعی است. خانه به فرهنگ‌سازی و حفظ ارزش‌های جامعه کمک می‌کند و هویت و جایگاه اجتماعی افراد را نشان می‌دهد (Rapoport 2003). پژوهشگران بسیاری از دیدگاه و آرای ریوپورت برای

هدایت تحقیقات خود سود جست‌هاند (Kausarul 2003; Park 2010; Amedeo 2005).

۴. بحث

در تحقیق حاضر، به منظور شناخت خانه سلماسی، با توجه به راهبرد تحقیق، ابتدا شناخت اجمالی از بستر زمانی و مکانی مصداق حاصل شده و سپس بررسی خانه از طریق راهکار سه مرحله‌ای تفکیک و تحلیل و ترکیب پی گرفته شده است.

۴ - ۱. مطالعات مقدماتی

گام اول برای شناخت ویژگی‌های فرهنگی و بررسی نسبت آن‌ها با کالبد معماری خانه، شناخت بستر فرهنگی آن است. این نکته در موضوع تحقیق که خانه‌ای مربوط به گذشته است، اهمیت بیشتری می‌یابد. مطالعات مقدماتی برای شناخت بستر زمانی و مکانی، اطلاعاتی در مقیاس کلان به دست می‌دهد و درک ارزش‌های جامعه، علل زمینه‌ای برخی رفتارهای فرهنگی و شیوه زندگی معمول آن روزگار را روشن می‌سازد.

خانه سلماسی مربوط به اواخر دوره قاجار در شهر تبریز است. موقعیت جغرافیایی مناسب منطقه تبریز، قراردادن در محل تلاقی راه‌های مهم سرزمینی، کشاورزی غنی و بازاری با ارتباطات چندسویه، به اشتهار و رونق تبریز در طول تاریخ انجامیده است (افشار سیستانی ۱۳۶۹؛ سلطان‌زاده ۱۳۷۶). همان‌طور تبریز دوره قاجار به علت موقعیت ویژه سیاسی و اقتصادی، شهری مهم و دارالسلطنه حکومت قاجار بود (سرداری نیا ۱۳۸۱؛ مشکور ۱۳۵۲).

تجربه زیستن در شهر تبریز با ویژگی‌های خاص آن، همچون وجود زمستان‌های طولانی، خطر قحطی و غارت و تهاجم و خطر دائمی وقوع زلزله، تبریزیان را ملزم به استفاده از تدابیری برای سکونت در این سرزمین کرده است؛ مانند ضرورت تهیه، آماده‌سازی و ذخیره مواد غذایی و هیزم برای زمستان و مواقع سختی، ساخت سازه‌های مقاوم در برابر زلزله، توجه به نیاز گرمایی بنا در زمستان‌های طولانی، رعایت آداب و رسوم شب‌های زمستان و... (عمرانی و اسمعیلی سنگری ۱۳۸۴، ۱۲۴-۱۳۳).

فرهنگ تبریزیان در طی نسل‌ها و در مواجهه با تجارب تاریخی نضج گرفته است. تبریزیان واجد ویژگی‌های فرهنگ ایرانی هستند. مهمان‌نوازی و تعارف و احترام به یکدیگر، حفظ ارزش‌های خانواده و نام و اعتبار خانوادگی، التزام به رعایت آداب و سنن و عرف‌های اجتماعی و قوانین مذهبی، از ویژگی‌های برجسته تبریزیان دوره قاجار، و به‌طریق پس از آن است (اردوبادی ۱۳۸۴). لیکن از اواخر دوره قاجار، به علت بروز تحولاتی در نظام سیاسی و اقتصادی و دگرگونی اندیشه‌ها، به تدریج تغییراتی در برخی جوانب زندگی تبریزیان صورت گرفت (خامچی ۱۳۸۶).

۴ - ۲. بررسی خانه سلماسی

اطلاعات مربوط به خانه سلماسی، از گفتگوی شخصی نگارندگان با آقای داود سلماسی و مادر ایشان به دست آمده است که دورانی از زندگی خود را در این خانه گذرانده و خاطراتی از گذشته آن دارند. این خانه قاجاری که اکنون به موزه سنجش تغییر کاربری داده است، متعلق به خانواده سلماسی بوده است. خانواده سلماسی در حدود ۲۰۰ تا ۲۵۰ سال گذشته، به همراه خاندانی از طایفه لک‌ها از منطقه سلماس به شهر تبریز مهاجرت کردند. این دو خانواده به قصد تجارت به تبریز که دارای شرایطی مناسب برای تجارت و بازرگانی بود، آمدند. دو خاندان سلماسی‌ها و لک‌ها که نسبت خویشاوندی با یکدیگر داشتند، اقدام به تملک محدوده‌ای در محله مقصودیه^۷ و خانه‌سازی در جوار هم کردند (تصویر ۱). سلماسی‌ها در یک‌سو و لک‌ها در سوی مقابل خانه‌سازی کردند و به این صورت، کوچه‌ای را شکل دادند به نام دربند لک- سلماسی که در عین در کنار هم نگاه داشتن این دو خاندان، از اختلاط آن‌ها نیز جلوگیری می‌کرد (تصویر ۲).

مجموعه خانه سلماسی‌ها پس از طی چند نسل تحت تملک آقای مهدی سلماسی، پدربزرگ آقای داود سلماسی، قرار گرفت تا به همراه اعضای خانواده گسترده خود در آن خانه‌ها سکنی گزینند؛ البته یکی از خانه‌ها در زمانی از تملک سلماسی‌ها خارج شده بود. از این رو، مجموعه خانه متعلق با آقای مهدی سلماسی شامل سه حیاط بود؛ حیاط بیرونی که اکنون موجود است و دو حیاط اندرونی که محل زندگی اعضای خانواده شامل همسر و دختران و پسران

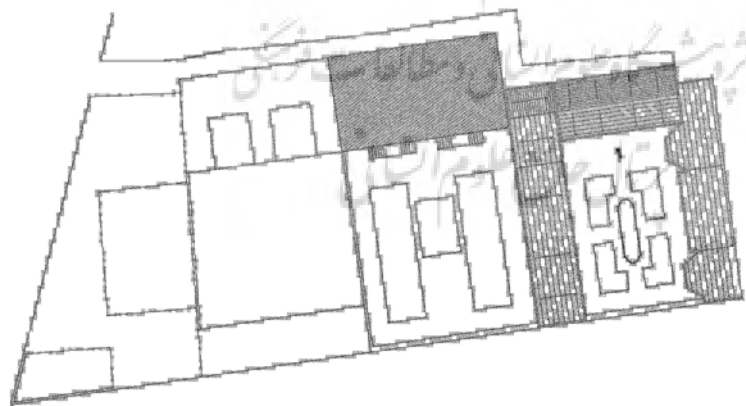
و خانواده‌هایشان بود (تصویر ۳). کروکی‌های خانه‌های مجاور بیرونی که در ادامه از آن با نام اندرونی یاد می‌شود، با راهنمایی‌های آقای سلماسی و تطبیق با عکس‌های هوایی سال‌های ۱۳۳۵ و ۱۳۴۵ ترسیم شده است (تصویر ۴). از خانه سوم که در گذشته جزء اندرونی و بعدها محل زندگی خانواده عموی آقای سلماسی بود، اطلاعاتی به دست نیامد. تفکیک خانه‌ها از اوایل دوره پهلوی آغاز شد. مهم‌ترین حادثه‌ای که در این دوران در خانواده بزرگ سلماسی رخ داد، درگذشت پدربزرگ آقای داود سلماسی بود. این حادثه با دوره تحولات اجتماعی، سیاسی و اقتصادی مقارن بود. به علت اوضاع عمومی جامعه، به ویژه تأثیری که تحولات اقتصادی بر خانواده تاجرپیشه سلماسی برجای گذاشت، نظام سنتی که تا آن زمان در خانواده سلماسی حفظ شده بود، نتوانست ادامه پیدا کند. مهم‌ترین تغییر در ساختار خانواده گرایش به استقلال خانه‌ها و رنگ‌باختن زندگی جمعی بود.



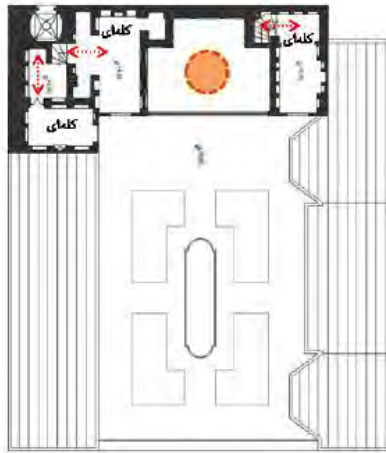
تصویر ۲: خانه‌های سلماسی‌ها در دربند لک - سلماسی در عکس هوایی سال ۱۳۳۵ (سازمان میراث فرهنگی آذربایجان شرقی)



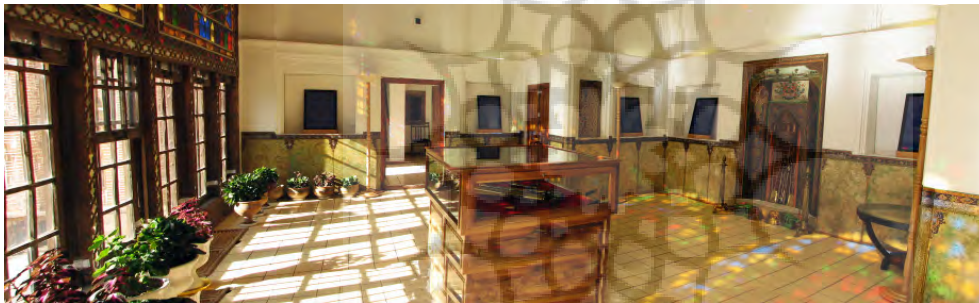
تصویر ۱: موقعیت دربند لک - سلماسی در محله مقصودیه، کوی نوبر (فخار تهرانی و دیگران ۱۳۸۴، ۴۴)



تصویر ۳: مجموعه خانه سلماسی. از راست: حیاب بیرونی؛ دو حیاب اندرونی



ج) تصویر ۴: پلان‌های مجموعه خانه سلماسی، الف. زیرزمین؛ ب. همکف؛ ج. طبقه اول (نقشه‌ها: سازمان میراث فرهنگی آذربایجان شرقی)



تصویر ۵: طنبی شمالی، زیباترین اتاق خانه برای پذیرایی از مهمانان



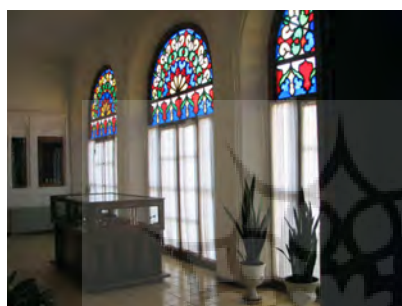
تصویر ۶: نمایی از ضلع شمالی حیاط بیرونی خانه سلماسی



تصویر ۸: فضای داخلی نمازخانه



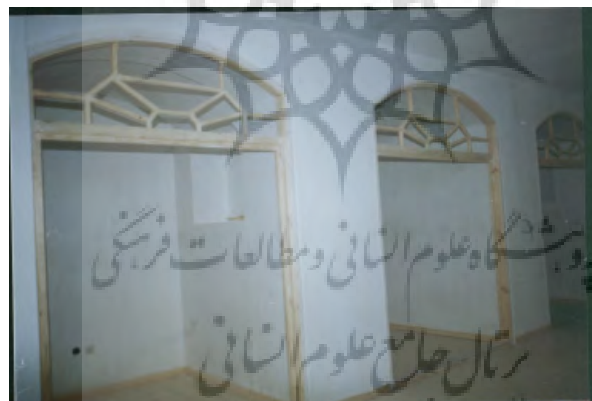
تصویر ۷: نمایی از ضلع شرقی حیاط بیرونی خانه سلماسی



تصویر ۱۰: نمای داخلی طنبی شرقی



تصویر ۹: نمایی از حوضخانه در زیرزمین بخش بیرونی مجموعه‌خانه



تصویر ۱۲: جایگاه‌های اجاق در مطبخ بیرونی



تصویر ۱۱: نمایی از آبنبار شرقی و پله‌های پاشیر

۴-۲-۱. تفکیک: جداول تطبیقی

اطلاعات حاصل از گفت‌وگو با اهالی قدیمی خانه سلماسی در جداول تطبیقی زیر نشان داده شده است. این جداول در واقع، بسط نمودار روش تحقیق محسوب می‌شود. پرسش‌های مصاحبه نیز درباره متغیرهایی بودند که در چارچوب نظری (نمودار ۲) به آن اشاره شد. جداول، مطابق با روش تحقیق، در سه موضوع و مسیر تنظیم شدند: جدول ۱، جدول متغیرهای اجتماعی که در آن معنی و کیفیت متغیرهای اجتماعی و بیان کالبدی آن‌ها تبیین شده است؛ جدول ۲، جدول فضاهای خرد که در آن، ویژگی‌های جزءفضاهایی که محیط را شکل می‌دهند، در دسته‌های عناصر ثابت و نیمه‌ثابت و غیرثابت بررسی شده است. جدول ۳، جدول نظام‌های فعالیت که در آن، برخی از فعالیت‌های غالب و معمول در خانه، طبق سلسله‌مراتب پیشنهادی رپوپورت تفکیک شده و بیان کالبدی آن‌ها بررسی شده است، در ضمن اطلاعات اشاره‌شده در این جداول، مربوط به زندگی پیش از تفکیک خانه‌ها است.

جدول ۱: جدول متغیرهای اجتماعی

متغیرهای اجتماعی	معنی و کیفیت	بیان کالبدی
روابط خویشاوندی	حفظ روابط خویشاوندی با خانواده گسترده لکها؛ زندگی جمعی و مشارکتی افراد خانواده گسترده سلماسی.	استقرار لکها و سلماسی‌ها در یک دربند؛ خانه‌سازی سلماسی‌ها در جوار هم و ایجاد یک مجموعه‌خانه.
روابط اجتماعی	مرادوات بسیار به سبب موقعیت اجتماعی خانواده؛ روابط خویشاوندی سهم زیادی در روابط اجتماعی، به ویژه در میان زنان، داشت.	بخش اعظم فضاهای بیرونی به فضاهای پذیرایی از مهمان اختصاص داشت. اتاق نشیمن بزرگ در اندرونی به مهمانی‌های غیررسمی زنان اختصاص داشت.
روابط همسایگی	تنیده در روابط خویشاوندی، که موجب ارتباط مستمر میان همسایه‌ها، لکها و سلماسی‌ها، شده بود؛ میان خانه‌های سلماسی‌ها روابط بسیاری وجود داشت که در واقع واحدهای یک مجموعه‌خانه بودند.	درهای ارتباطی میانی در حیاط‌های خانه‌های سلماسی‌ها؛ پنجره‌هایی در اتاق نشیمن غربی که ارتباط بصری را میان بخش بیرونی و اندرونی برقرار می‌کرد. دربند دری داشت که در هنگام بروز خطر و شب‌ها بسته می‌شد و از حریم ساکنان دربند محافظت می‌کرد.
موقعیت اجتماعی	سلماسی‌ها از تجار و خانواده‌های سرشناس بودند و برای ایشان همانند دیگر اقشار مرفه جامعه حفظ جایگاه و موقعیت اجتماعی اهمیت بسیار داشت.	اسکان در محله تاجرنشین نوبر و در قرب بازار تبریز؛ سردر محتشم و مزین برای بخش بیرونی؛ بخش بیرونی پرکار و مکلف.
ساختار خانواده	پدرسالاری و تمایل به حفظ ارتباط پدر با پسران؛ پیشه مشترک مردان خانواده.	خانه‌سازی و زندگی خانواده پدری در کنار هم.
وضعیت زنان	به حفظ حریمت حرم بسیار اهمیت داده می‌شد؛ زنان در خارج شدن از خانه محدودیت داشتند.	جدایی کامل حریم اندرونی و بیرونی به صورت خانه‌ها و آب‌انبارها و حیاط‌های مجزا؛ وجود حمامی کوچک مخصوص اندرونی.
وضعیت خدمتکاران	نیاز به وجود چندین خدمتکار و آشپز در خانه‌ای چنین با آمدوشد و خانوار بسیار.	تخصیص فضاهایی برای زندگی خدمتکاران در دوره‌های مختلف در داخل و خارج از خانه.

در جدول فضاهای خرد، ذکر نکته‌ای لازم است. طبق تعریف ریپوپورت، عناصر نیمه‌ثابت عناصری همچون تزئینات و اثاث و سایر الحاقات بنا هستند که به سهولت، امکان تغییر و جابه‌جایی آن‌ها توسط استفاده‌کنندگان از محیط وجود دارد. اما در معماری سنتی ایرانی، بسیاری از عناصر تزئینی مانند آجرکاری و گچ‌بری، کاربندی، طاقنما و مانند آن به‌طور کامل شامل قاعده فوق نمی‌شوند و شاید بتوان آن‌ها را در سطحی دیگر میان عناصر ثابت و نیمه‌ثابت بررسی کرد. با وجود این در این تحقیق، با اغماض، تمام تزئینات بنا، چه ثابت و چه متحرک، با در نظر گرفتن جنبه تزئینی آن‌ها در ذیل عناصر نیمه‌ثابت قرار گرفته است.

جدول ۲: جدول فضاهای خرد

عناصر ثابت	عناصر نیمه ثابت	عناصر غیر ثابت	جزء فضاها
سردر رفیع و مزین؛ سکوهایی در طرفین ورودی (پاخور)؛ سقفی طاق پوش و دیوارهای آجری هشتی؛ ورودی طی سلسله مراتبی سه مرحله‌ای به فضای پیش‌ورودی، هشتی بزرگ و هشتی کوچک هدایت می‌کند؛ هشتی‌ها به اصطبل و بخش‌های اندرونی و بیرونی راه دارند.	آجر کاری سردر؛ کاربردی در سقف پیش‌ورودی؛ طاق نماها و آجر کاری‌های جداره‌های داخلی هشتی.	ورودی اصلی خانه فضای تقسیم‌ی ایجاد کرده است که الگوی ورود به خانه را تنظیم می‌کند و فرد را به فضاهای مختلف خانه هدایت می‌کند.	ورودی (سردر و هشتی)
حیاط بیرونی: دیوارهای احاطه کننده که در سه وجه حیاط نماهای خارجی اتاق‌های اطراف است؛ دو ایوانچه در طرفین طنبی شرقی؛ ورودی اصلی. حیاط اندرونی: دیوارهای احاطه کننده که در وجه شمالی نمای خارجی اتاق‌ها است؛ درهای ارتباطی درون دیوارها که ارتباط بین حیاطها را تأمین می‌کند.	آجر کاری‌ها و گچ‌بری‌های متنوع، و طاق نماهایی در جداره‌های اطراف حیاط بیرونی؛ حوضی بزرگ در محوره‌های میانی حیاطها و باغچه‌هایی در اطراف آن با انواع گل‌ها و درختان میوه؛ تخت‌هایی که تابستان‌ها در حیاطها گذاشته می‌شد؛ اجاق‌ها و اسبابی که در مواقعی از سال برای آماده‌سازی آذوقه در حیاطها گذاشته می‌شد.	تأمین ارتباط بین فضاهای اطراف حیاط و بین خانه‌ها؛ بازی کودکان؛ استراحت عصرگاهی در تابستان؛ تهیه و آماده‌سازی آذوقه برای زمستان؛ شست‌وشوی فرش و پشم و ...	حیاطها (تصویر ۶) (تصویر ۷)
استقرار در محور بنا و دارای سقفی به ارتفاع دو طبقه، و ارسی بزرگ که موجب تشخیص این فضا شده است؛ وجود یک پستو و راهروی اتاق کله‌ای در طرفین فضا که موجب ایجاد فضای شاه‌نشین شده است؛ هم‌جواری با نمازخانه.	ارسی بزرگ با شیشه‌های رنگین؛ چراغ‌دان‌ها و بخاری دیواری مزین و نقاشی شده؛ گچ‌بری دیوارها؛ نقاشی ازاره‌ها؛ آینه کاری سقف؛ انواع لامپها و لاله‌های‌ها و ظروف نفیس که در طاقچه‌ها و رف‌ها گذاشته می‌شد؛ آویزهای سقفی؛ فرش، زیرانداز و پستی برای نشستن و تکیه دادن مهمانان. توضیح: شیشه‌ها و چوب ارسی از روسیه و اروپای شرقی وارد می‌شد و ارزش مادی بسیار داشت؛ لذا محافظت از آن لازم بود که در این خانه به‌جای ایوان ستون‌دار معمول در خانه‌های تبریز، به‌وسیله یک پنجره ساده به‌عنوان لایه محافظتی بر روی ارسی از آن محافظت شده است.	پذیرایی از مهمانانی که به‌قصد دیدار یا به مناسبت‌های مختلف چون اعیاد و جشن‌ها و عزاداری و ... آمده‌اند؛ شب‌نشینی‌های زمستان.	طنبی شمالی (اصلی) (تصویر ۵)
فضایی پیش‌آمده با سقفی بلند که توسط دو ایوانچه کوچک دربر گرفته شده است؛ هم‌جواری با تالار پذیرایی و اتاق استراحت نیم‌روزی مهمانان. دارای دو ورودی مجزا با فضای پیش‌ورودی.	در و دو پنجره با قاب چوبی؛ ظروف و چراغ‌های درون طاقچه‌ها؛ طاق نماها؛ فرش، زیرانداز و پستی؛ سماور و اسباب پذیرایی مختصر برای پذیرایی از مهمانان نشسته در طنبی‌ها.	در طنبی اصلی پذیرایی از مهمانان جنبه‌ای رسمی تر داشت.	اتاق‌ها
فضایی کشیده در میان دو طنبی؛ فضای با ورود مستقیم از حیاط، چون پیش‌ورودی برای طنبی شرقی.	در و دو پنجره بزرگ با شیشه‌های رنگی؛ گچ‌بری نقاشی بخاری دیواری آجری بزرگ؛ نقاشی ازاره‌ها، ظروف و چراغ‌های نفیس در طاقچه‌ها، فرش، زیرانداز و پستی.	اطعام نذری در مناسبت‌های مختلف؛ پذیرایی از مهمانان.	اتاق پذیرایی (فرعی) (تصویر ۱۰)
اتاقی کوچک میان اتاقی پذیرایی و طنبی شمالی.	یک پنجره بزرگ با شیشه‌های رنگی؛ گچ‌بری نقاشی بخاری دیواری آجری بزرگ؛ نقاشی ازاره‌ها، ظروف و چراغ‌های نفیس در طاقچه‌ها، فرش، زیرانداز و پستی.	اقامه نماز جماعت.	نمازخانه (تصویر ۸)

ادامه جدول ۲: جدول فضاهای خرد

جزء فضاها	عناصر ثابت	عناصر نیمه ثابت	عناصر غیر ثابت
اتاق های نشیمن (دمدستی)	مجموعه‌ای در بخش غربی بنای بیرونی؛ اتاق های اندرونی.	پنجره‌هایی با قاب چوبی؛ بخاری های دیواری؛ ظروف و چراغ های درون طاقچه‌ها؛ فرش زیرانداز و پشتی؛ صندوقچه های چوبی؛ کرسی در فصل سرما.	انجام فعالیت های مختلف مانند خوابیدن، غذا خوردن، استراحت، گرد آمدن اعضای خانواده، و پذیرایی غیر رسمی و خودمانی از مهمانان.
اتاق	اتاق هایی در طبقه اول، در بالای ورودی اصلی و طرفین طبسی شمالی، با دسترسی محدود - به ویژه برای اتاق شرقی.	پنجره‌هایی با قاب چوبی. بخاری های دیواری؛ ظروف و چراغ های درون طاقچه‌ها؛ فرش زیرانداز و پشتی.	خواب و استراحت مهمان؛ فضای خصوصی برای اعضای خانواده. استمرار نوکر خانه در اتاق بالای ورودی.
اتاق استراحت مهمان	اتاقی در گوشه جنوب شرقی با ورودی مستقیم از حیاط، چون پیش‌ورودی برای طبسی شرقی.	در و دو پنجره با قاب چوبی؛ ظروف و چراغ های درون طاقچه‌ها؛ فرش، زیرانداز و پشتی.	استراحت نیم‌روزی مهمانان؛ تأمین ارتباط طبسی شرقی با حیاط.
راهروها	پیش‌ورودی که چون فضای تقسیم به اتاق های طرفین هدایت می‌کند و مانع از ورود مستقیم به اتاق ها می‌شود.	ظروف و اشیای مورد نیاز در طاقچه‌ها؛ فرش و گاهی پشتی.	تأمین ارتباط میان اتاق ها با حیاط؛ مکت پیش از ورود به اتاق ها.
پستوها	فضاهایی کوچک در پشت و گوشه های اتاق ها.	اثاث و موادی که به‌طور موقت در پستو گنجانده می‌شد مانند ملزومات خواب، خشکبار و ...	نگهداری و ذخیره موقت چیزهایی که استفاده روزانه دارد و لازم نیست در معرض دید باشد.
زیرزمین ها (فضاهای عمومی)	سازه آجری با سقف طاق‌پوش و جرزهای قطور که فضایی تودرتو و پیوسته ایجاد کرده است؛ زیرزمین تمام زیربنای بناهای ساخته شده در اندرونی و بیرونی را شامل می‌شود.	خمیره‌ها و کوزه‌هایی مسی و سفالی (کوپ) که مواد خوراکی چون حبوبات و روغن و گوشت قرمه در آنها نگهداری می‌شد و در چارچوبی چوبی (خره‌چی) جا داده می‌شدند. محفظه‌ای سیلو مانند (کندوی آرد) در زیرزمین اندرونی که آرد در آن ذخیره می‌شد.	انبار کردن مواد غذایی، ظروف و اسباب، و ... آویزان کردن انگورها (میلخ) از طناب‌هایی که در زیرزمین اندرونی کشیده شده بود، برای خشک کردن انگور و تهیه کشمش.
مطبخ	در شرق زیرزمین بیرونی، در ارتباط با انبار آذوقه و آب‌انبار؛ فضاهای ایجاد شده برای اجاق ها و نگهداری ظروف و مواد مورد نیاز.	دودکش ها و اجاق های آجری؛ ظروف و مواد مورد نیاز برای پخت‌وپز.	آشپزی، پخت انواع شیرینی و مربا و سایر مخلفات.
حوضخانه (تصویر ۹)	فضایی چلیپایی شکل و طاق‌پوش در زیرزمین، زیر طبسی شمالی.	حوض بزرگ میانی؛ طاقچه‌ها و ظروف و لامپ‌های درون آنها؛ آجر کاری سقف و دیوارها؛	استراحت در عصرهای تابستان؛ استفاده از آب حوض در زمستان؛ محافظت از گلدان های حیاط در زمستان.
آب‌انبارها	فضاهایی با طاق گهواره‌ای و جرزهای قطور در زیرزمین های شرقی و غربی بنا؛ با ورودی و استفاده مجزا برای بیرونی و اندرونی	شیر آب و حوضی کوچک در زیر آن.	استفاده روزانه از آب آب‌انبار برای پخت‌وپز، آشامیدن و نظافت.
تنورخانه	فضایی در جنوب زیرزمین غربی که گاهی به‌عنوان مطبخ اندرونی از آن استفاده می‌شد.	تنور؛ اسباب پخت نان؛ میزی چوبی برای گذاشتن نان‌ها بر روی آن و حفاظت از نان‌ها.	پخت نان در چند روز بی‌دربی برای استفاده چندماهه توسط نان‌پزانی که به این کار گماشته می‌شدند.
اصطبل	فضایی در زیرزمین بیرونی، در ارتباط با ورودی اصلی.	ملزوماتی چون زین و براق؛ مکانی برای علوفه.	مراقبت و تیمار اسب.
حمام	فضایی مختصر در زیرزمین اندرونی.	اجاق هیزمی و ملزومات حمام.	برای استفاده اندرونی.

۴ - ۲ - ۲. تحلیل

در این مرحله، اطلاعاتی که از طریق مصاحبه به دست آمده و در جداول مرتب شدند، تحلیل و ارزیابی می شوند. سعی شده است پیوندهای درونی میان متغیرها در سطحی دیگر بررسی شود تا دامنه وسیع تری از ارتباطات و تعاملات آشکار گردد. پیوندهایی که شبکه‌ای از رفتارها و کنش‌ها را در بستر زمانی و مکانی خاص خود شکل داده‌اند. این مجموعه منسجم و یکپارچه تصویر زندگی در خانه سلماسی، با ویژگی‌های فرهنگی اهالی آن را نشان می‌دهد.

خانواده سلماسی که در اصل به قصد پیشرفت در زمینه تجارت به تبریز مهاجرت کرده بود، به تدریج به جرگه خانواده‌های سرشناس تبریز پیوستند. حفظ این موقعیت اجتماعی ملازم با حفظ پیشه آبا و اجدادی بود که بایستی نسل به نسل از پدر به پسر منتقل می‌شد. این مهم که بر عهده پسران خاندان بود؛ منجر به اتحاد خانواده پدری و زندگی پدرسالاری شده بود. از طرفی، مزیت مهم این اتحاد علاوه بر تحکیم پیوندهای خانوادگی، حفظ ثروت در خانواده بزرگ سلماسی بود. نتیجه این پیوستگی، زندگی منسجم و یکپارچه خانواده‌های پسر و پدر بود که در چنین خانه‌ای با گنجایش چندین خانوار صورت می‌پذیرفت. گرچه برای هر خانواده کوچک حداقل یک اتاق خاص وجود داشت، این خانواده‌های کوچک همچون خانواده‌ای واحد تابع هنجارهای پذیرفته شده و مشترکی بودند.

گسترش دایره روابط اجتماعی جنبه‌ای مهم از تمایل به حفظ و تثبیت جایگاه اجتماعی به شمار می‌رود. در این میان، روابط خویشاوندی بخشی مهم از روابط اجتماعی را شکل می‌دهد. کمالین که هنگامی که سلماسی‌ها و لک‌ها به واسطه روابط خویشاوندی در دو سمت دربند سکنی گزیدند، روابط خویشاوندی موجب تعریف روابط همسایگی شد. روابط خویشاوندی غالب روابط میان زنان را نیز شامل می‌شد و اغلب جنبه‌ای غیررسمی داشت و در اندرونی جریان می‌یافت. گسترش روابط خویشاوندی به معنی بسط حوزه نفوذ در جامعه نیز بود.

توجه به روابط اجتماعی و گسترش آن با گشودن در بر اغیار و مهمان‌نوازی همراه بود. مهمان‌نوازی مناسب نشان از توجه به مقام مهمان و از طرفی، عاملی برای حفظ نام و اعتبار در میان مردم بوده است. تدارک اسباب آشپز مهمان از ملزومات تکریم مهمان بود. از جمله این اسباب، تأمین فضایی مناسب و درخور مهمان بود. این فضا در خانه بیرونی مجموعه خانه سلماسی شکل گرفت. از این رو خانه بیرونی به محلی برای نمایش جایگاه اجتماعی و پذیرایی از مهمان بدل گشت، درحالی که خانه‌ها و حیاط‌های دیگر مجموعه خانه محل اصلی زندگی خانواده گسترده سلماسی بود. در واقع در این مورد نه تنها حیاط بیرونی بلکه خانه بیرونی وجود دارد که با تمام عناصر و اجزای خود برای نمایش بیرونی ساخته شده بود؛ تظاهری که به نوعی نشانه جایگاه و ثروت خانواده سلماسی نیز بود.

خانه بیرونی از ورودی اصلی با سردری رفیع و هشتی‌های آجرکاری شده آغاز می‌شود و به حیاطی مصفا می‌رسد که زیبایی آن با نماهای مزین اطراف دوچندان شده است. اتاق‌های اطراف علاوه بر طنبی، که فضای خاص مهمان در خانه‌های قدیمی تبریز است، فضاهای دیگری چون نمازخانه، اتاق پذیرایی، و اتاق استراحت نیمروزی را شامل می‌شود که آراسته به انواع تزئینات داخلی و خارجی هستند. این اتاق‌ها مجموعه فضایی پیوسته را شکل داده‌اند که تالار پذیرایی خانه سلماسی محسوب می‌شده است. خانه بیرونی مرکزی در مجموعه خانه داشته و تنها راه ورود و خروج نیز از آن بوده است.

مجموعه خانه سلماسی همواره میزبان مهمانانی بود که برای مقاصد مختلف به خانه رفت و آمد می‌کردند. از طرفی، تعداد اهالی خانه نیز بالنسبه زیاد بود. اداره امور خانه‌های چنین به ملزوماتی نیاز داشت. مانند چندین خدمتکار، نوکر و کلفت و آشپز، و تأمین آب و غذا که مطبخ وسیع، تنورخانه و آب‌انبارها و نیز زیرزمین وسیع برای انبار آذوقه برای این منظور در نظر گرفته شده بود. در این خانه نباید هیچ کمبودی به چشم بخورد. اهمیت این موضوع با توجه به زمستان‌های طولانی و خطر قحطی و جنگ دوچندان می‌شد. تهیه و آماده‌سازی آذوقه یکی از فعالیت‌های مهم در خانه بود که در حیاط، آشپزخانه، و برای پخت نان سالانه در تنورخانه انجام می‌شد.

حیاط صحنه پر جنب و جوش زندگی و ظرف فعالیت‌های بسیاری همچون تردد مداوم برای رفتن به فضاهای اطراف، بازی کودکان، استراحت در تابستان و مانند این‌ها بود. صحنه حیاط تنها منظره‌ای بود که از پنجره اتاق‌ها

دیده می‌شد، پس باید به زیبایی این منظر توجه می‌شد تا چشم‌اندازی هرچه زیباتر حاصل شود. در حیاط‌ها به‌واسطه وجود حوض بزرگ میانی و باغچه‌های سرسبز فضایی مصفا ایجاد شده بود. از آنجا که در اتاق‌ها روی زمین می‌نشستند، پنجره‌ها تا ارتفاع کف اتاق پایین آمده بود تا افراد بتوانند از چشم‌انداز حیاط و روشنایی روز بهره‌گیرند. نشستن بر روی زمین بر عناصر غیرثابت اتاق‌ها نیز تأثیر گذاشته بود؛ استفاده از قالی و فرش برای پوشش کف، زیراندازی برای نشستن بر روی آن و پستی برای تکیه‌دادن به آن و تناسب اجزایی مانند بخاری دیواری که در ارتفاعی کم ساخته می‌شد. به پاکیزه نگاه‌داشتن این اتاق‌ها بسیار توجه می‌کردند و همواره کفش‌ها را در انتهای پله‌های ورودی درمی‌آوردند. علاوه بر آن، عدم ورود مستقیم به اتاق‌ها نیز به‌نوعی به حفظ حرمت اتاق‌ها اشاره دارد؛ اتاق‌هایی که محل نماز خواندن، نشستن، خوابیدن و گسترده سفره غذا بود. وجود پستو که محل نگهداری موقت و دور از نظر قراردادن چیزها بود، جزء لازم اتاق‌ها محسوب می‌شد؛ اهمیت این فضاها در اتاق‌های اندرونی که محل اصلی زندگی بود بیشتر به چشم می‌خورد. اتاق‌های نشیمن فضاهایی منعطف و پذیرای صحنه‌های مختلف زندگی بودند.

به‌علت التزام بسیار خانواده سلماسی به مذهب و عرف‌های جامعه، حفظ حریم اندرونی بسیار اهمیت داشت. ارتباط بین بیرونی و حوزه اندرونی بسیار محدود بود. تنها یک در ارتباطی در هشتی کوچک و دو پنجره در یکی از اتاق‌های نشیمن، در ضلع غربی خانه بیرونی، برای ارتباط بصری وجود داشت و حتی آب‌انبار مجزایی برای استفاده اندرونی ساخته شده بود. وجود دو آب‌انبار نشان‌دهنده زیاد بودن احتیاج و تعداد اهالی خانه بود. حمامی مختصر نیز برای استفاده اندرونی ساخته شده بود تا نیاز به خارج شدن زنان از خانه کمتر شود. در خانه بیرونی نیز اتاق پذیرایی به اطعام نذری و اتاقی به نمازخانه اختصاص داده شده بود که حاکی از اهمیت رعایت شعائر مذهبی برای اهل خانه بود. البته التزام به موازین مذهبی و رعایت حرمت حرم یکی از مظاهر آبروداری و خوشنامی در جامعه سنتی تبریز آن روزگار بوده است. در مجموعه خانه سلماسی سلسله‌مراتب فضاهای عمومی به خصوصی پیش از ورود به خانه آغاز شده بود. دربند لک - سلماسی خود مرحله‌ای برای گذر از معبر عمومی به محدوده‌ای نیمه‌عمومی بود که تحت مالکیت لک‌ها و سلماسی‌ها بود. خانه بیرونی نیز خود حایلی میان حریم خصوصی اندرونی و محدوده نیمه‌عمومی کوچک بود.

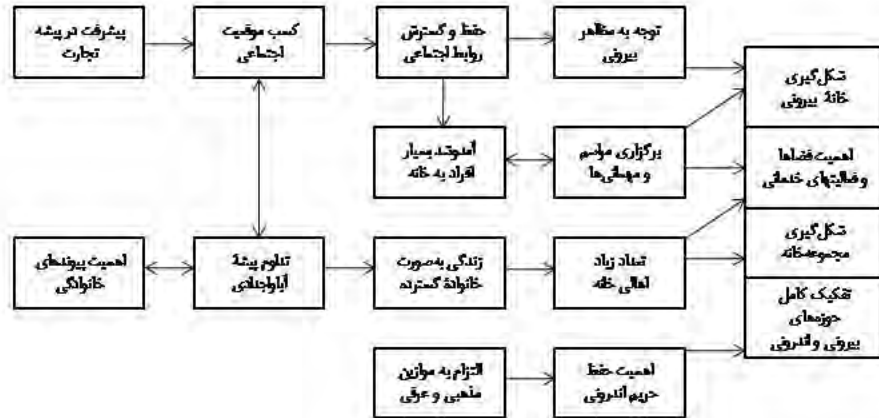
۴-۲-۳. ترکیب

در خانه سلماسی، شیوه زندگی خانواده‌ای که به‌واسطه پیشرفت در امر بازرگانی موفق به کسب موقعیت ممتاز اجتماعی شده‌اند، به تصویر کشیده شده است. خانواده‌ای که تلاش می‌کند جایگاه اجتماعی خود را حفظ نماید. تلاش برای حفظ موقعیت اجتماعی و نام و اعتبار خانوادگی در تمام اجزای معماری خانه و شیوه زندگی سلماسی‌ها، به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم به چشم می‌خورد. البته وجه مهم دیگر موضوع تأکید بر موجودیت سلماسی‌ها همچون خانواده‌ای بزرگ و واحد بود که در ساختار مجموعه‌خانه بروز کرده بود. در واقع در مجموعه خانه سلماسی ترکیب دو موضوع متناقض یعنی نیاز به تظاهر بیرونی و اهمیت حفظ حوزه اندرونی نمود یافته است.

خانه سلماسی بخشی از مجموعه‌خانه‌ای است که تحت یک نظام منسجم هدایت می‌شده است. چنین انسجامی حاکی از وجود هنجارها و قوانینی ضمنی است که موجب هدایت رفتارها و موقعیت‌ها درون خانواده می‌شود. یکپارچگی خانه تا پیش از تفکیک خانه‌ها حفظ شده بود. الگوهای سکونت و قوانین خانه سلماسی برآمده از خواست‌ها و نیازهای یک خانواده تاجرپیشه نامدار با روابط گسترده اجتماعی و ملتزم به شعائر مذهبی و هنجارهای سنتی است. خانه‌ای پرجمعیت با آمدوشد دائمی که نیازمند مدیریتی نظام‌مند برای اداره امور بود.

نیازهای اهالی خانه و الزامات اجتماعی و خانوادگی بخوبی در ترکیب و سلسله‌مراتب فضاها از جزء به کل نمود یافته بود. مانند ترتیب، کیفیت و تکلف فضاهای خانه بیرونی به‌عنوان تالار پذیرایی؛ به حداقل رساندن ارتباط اندرونی و بیرونی؛ همجواری‌های فضاهای خدماتی زیرزمین؛ کیفیت فضایی حیاط‌ها چون فضایی مهم و مفصل؛ موقعیت و نحوه استفاده از اتاق‌های اندرونی و چیدمان عناصر نیمه‌ثابت آن‌ها و... در نمودار ۳ سعی شده است پیوندهای اساسی که موجب شکل‌گیری خانه سلماسی با مشخصات خاص آن شده است، به‌صورت خلاصه نشان داده شود.

نمودار ۳: پیوندهای اساسی کالبد معماری خانه سلماسی و ویژگی‌های فرهنگی اهالی آن



نتیجه‌گیری

در تحقیق حاضر سعی بر این بوده است که از طریق کاربرد آراء و دیدگاه‌های ایمنس رپوپورت، روشی برای شناخت خانه از منظر پیوند آن با بستر فرهنگی معرفی شود. برای این منظور خانه قاجاری سلماسی در تبریز به‌عنوان نمونه موردی انتخاب شد. در این راستا خانه سلماسی طی مراحل تفکیک، تحلیل و ترکیب، مطابق با روش پیشنهادی رپوپورت و با رویکرد مطالعات محیطی - رفتاری، بررسی گردید. هدف از این بررسی، تبیین چگونگی تأثیرپذیری کالبد معماری این خانه از ویژگی‌های فرهنگی اهالی آن و در نتیجه، فهم روابط و مختصات خانه بود. مزیت کاربرد این دیدگاه برای شناخت خانه سلماسی یا مصادیق مشابه، روش‌مند بودن و جامعیت آن است. زیرا در دیدگاه و روش پیشنهادی رپوپورت، مفاهیم از کل به جزء و طبق ساختاری منظم و مشخص تفکیک می‌شود و نه تنها تمام جوانب موضوع مورد توجه قرار می‌گیرد، بلکه برخی جوانب پنهان نیز آشکار می‌گردد. همچنین، از این طریق ارتباط متغیرها با دقت بیشتری بررسی و از کلی‌گویی و ابهام اجتناب می‌شود. با این حال، با توجه به تجربه کاربرد دیدگاه رپوپورت در شناخت خانه سلماسی به محدودیت‌ها و احتیاط‌هایی اشاره می‌شود که باید در مطالعه مصادیقی از این دست به آن‌ها توجه شود:

۱. انجام مطالعات مقدماتی؛ در این تحقیق نشان داده شد که انجام مطالعات مقدماتی پیش از بررسی خانه به روش رپوپورت در بررسی مصادیق مربوط به گذشته ضرورت دارد.
۲. توجه به قدمت مصادیق؛ با توجه به کاربرد روش مطالعات محیطی - رفتاری برای انجام تحقیق، آشنایی با رفتار و چگونگی زندگی در خانه زمانی حاصل می‌شود که از نزدیک در جریان زندگی در خانه قرار گیریم یا حداقل بتوانیم وقایع جاری در گذشته خانه را بازخوانی کنیم. لذا وقتی خانه مورد مطالعه مربوط به زمان گذشته باشد، تنها می‌توانیم تا زمانی عقب رویم که آثار و شواهد زندگی در خانه به‌طور کامل از بین نرفته باشد.
۳. احتیاط در انتخاب و بررسی متغیرها؛ انعطاف در انتخاب متغیرها از مزیت‌های روش پیشنهادی رپوپورت است. انتخاب متغیرهای متناسب با موضوع تحقیق عاملی مهم در پیشرفت فرایند تحقیق است که این مورد نیز تأکیدی بر لزوم انجام مطالعات مقدماتی است. نکته دیگر، احتیاط در تفکیک مفاهیم است. وقتی موضوعات و مفاهیم به اجزای بسیار خرد تفکیک می‌شوند، همواره بیم آن وجود دارد که کلیت موضوع از دست برود؛ لذا از طریق تحلیل و جمع‌بندی مناسب یافته‌ها و بررسی متغیرها در سایه هدف اصلی، که فهم کلیت موضوع است، می‌توان از چنین لغزش‌هایی جلوگیری کرد.

کاربرد روش اتخاذ شده برای شناخت خانه سلماسی می‌تواند برنامه و روشی پیشنهادی برای انجام چنین مطالعاتی به‌شمار آید. برای ادامه تحقیق‌هایی از این دست که مربوط به شناخت خانه‌های تاریخی است، پیشنهاد می‌شود مواردی که در این نوشتار برای انتخاب مصادیق گذشته اشاره شد، رعایت گردد. در ضمن می‌توان با افزایش تعداد مصادیق و بسط دادن دامنه زیرگروه‌های فرهنگی به الگوها و قواعد کلی برای ارزیابی و حتی طراحی محیط دست یافت. در روزگار کنونی که بسیاری از شواهد فرهنگی مربوط به خانه‌های گذشته در حال از بین رفتن است، کاربرد راهبرد این تحقیق و استفاده از مطالعات محیطی- رفتاری برای شناخت خانه‌ها موجب باززنده‌سازی بخشی مهم از تاریخ معماری ایران می‌شود و این لزوم تعجیل و مداومت برای تحقیق‌هایی این چنین را می‌طلبد.

پی‌نوشت

۱. Amos Rapoport. معمار و جامعه‌شناس و روان‌شناس لهستانی تبار استرالیایی (۱۹۲۹ وورشو، لهستان). رپوپورت فارغ‌التحصیل معماری (۱۹۵۵) و برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای (۱۹۶۶) از دانشگاه ملبورن است. وی استاد معماری و انسان‌شناسی و برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای در دانشگاه‌های ویسکانسین، ملبورن، سیدنی، کالج لندن و ... بود. رپوپورت یکی از پیشگامان رشته مطالعات محیطی- رفتاری است. بررسی نقش متغیرهای فرهنگی در طراحی و ارزیابی محیط، مطالعات بین فرهنگی و تلاش برای تدوین نظریه، موضوعات اصلی پژوهش‌های رپوپورت بوده است.
۲. Environment-Behavior Studies (EBS) این رشته در حدود دهه ۱۹۷۰م بنیان گذاشته شده است. تلاش صاحب‌نظران این رشته این بود که طراحی محیط را بر دانشی مطالعات محور و علمی پایه گذاری کنند؛ دانشی که براساس تفسیری از چگونگی رفتار انسان و کنش محیط و درک تأثیر متقابل انسان و محیط باشد. در EBS این تعامل و برهم‌کنش‌ها در بسترها، صحنه‌ها و مقیاس‌های چندگانه به آزمون گذاشته می‌شود (Rapoport 1987, 12).

3. dismantling

4. Settings

5. Excessive breadth and generality

6. Excessive abstractness

۷. مقصودیه در گذشته زیرمحلّه کوی معروف و بزرگ نوبر بود. نوبر کویی بزرگ و آباد و با مردمانی بسیار، ثروتمند و اهل تجارت بود (نادر میرزا ۱۳۷۳، ۸۷).

منابع

- اردوبادی، محمد سعید. ۱۳۸۴. *تبریز مه‌آلود*. ترجمه رحیم رئیس‌نیا. ج ۱. تهران: نگاه.
- افشار سیستانی، ایرج. ۱۳۶۹. *نگاهی به آذربایجان شرقی: مجموعه‌ای از اوضاع تاریخی، جغرافیایی، اجتماعی و اقتصادی*. ج ۲. تهران: رایزن.
- خاماچی، بهروز. ۱۳۸۶. *شهر من تبریز*. تبریز: ندای شمس.
- سرداری نیا، صمد. ۱۳۸۱. *تبریز شهر اولین‌ها*. تبریز: کانون فرهنگ و هنر آذربایجان.
- سلطان زاده، حسین. ۱۳۷۶. *تبریز خستی استوار در معماری ایران*. تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- طاهری، جعفر. ۱۳۹۲. «بازاندیشی مفهوم سکونت در معماری». *مجله مطالعات معماری ایران* ۱ (۴): ۵-۲۲.
- عمرانی، بهروز، و حسین اسمعیلی سنگری. ۱۳۸۴. *یافت تاریخی شهر تبریز*. تهران: سمیرا.
- فخار تهرانی، فرهاد، فرامرز پارسی، و امیر بانی مسعود. ۱۳۸۴. *بازخوانی نقشه‌های تاریخی شهر تبریز*. تهران: سازمان عمران و بهسازی شهری.
- گروت، لیندا، و دیوید وانگ. ۱۳۸۶. *روش‌های تحقیق در معماری*. ترجمه علیرضا عینی‌فر. تهران: دانشگاه تهران.
- مشکور، محمد جواد. ۱۳۵۲. *تاریخ تبریز تا پایان قرن نهم هجری*. تهران: انجمن آثار ملی.
- نادر میرزا. ۱۳۷۳. *تاریخ و جغرافیای دارالسلطنه تبریز*. تصحیح و تحشیه غلامرضا طباطبایی مجد. تبریز: ستوده.

- Amedeo, D. 2005. Culture and Housing Preferences in a Developing City. *Journal of Environment and Behavior* 37: 134-146.
- Appleyard, D. 1979. *Home*, Architectural Association Quarterly. London: Architectural Press.
- Buttimer, A. 1980. Home Reach and the Sense of Place. In *The Human Experience of Space and Place*, ed. A. Buttimer & D. Seamon. London: Croom Helm.
- Cooper_Marcus, C. 1995. *House as a Mirror of Self: Exploring the Deeper Meaning of Home*. Berkeley: Conari Press.
- Cramer, R. D. 1960. Images of Home. *Journal of the American Institute of Architects* XLVI: 40-49.
- Gans, H. 1962. *The Urban Villagers*, Glencoe, Illinois: The Free Press.
- Gauvain, M., I. Altman, and H. Fahim. 1983. Homes and Social Change: a Cross-Cultural Analysis. In *Environmental Psychology: Directions and Perspectives*, ed. N. R. Feimer & E. Scott Geller. New York: Praeger.
- Hayward, G. 1977. Psychological Concepts of Home among Urban Middle Class Families with Young Children. *Journal of Institute of Planners*, Jan: 23-31.
- Kausarul Islam, A.K.M. 2003. Patterns and Changes of Vernacular Architecture in Bangladesh: An Application of Amos Rapoport's Theory of Defining Vernacular Architecture. Thesis for degree of Master of Built Environment Analysis. M,Sc Programme In Environmental Engineering And Sustainable Infrastructure. Sweden: The Royal Institutes of Technology.
- Norberg-Schulz, C. 1980. *Genius Loci: Towards a Phenomenology of Architecture*. New York: Rizzoli.
- Park, So Yun. 2010. The Configuration of Residential Spaces on Occupant's Behavioral Patterns. Thesis for Degree of Master of Arts, Interior Design and Facilities Management. Michigan: Michigan State University.
- Polikoff, B. 1969. Whose meaning of Home?. *Journal of Transactions of the Bartlett Society* 8: 91-106.
- Rainwater, L. 1966. Fear and the House as Haven in the Lower Class. *Journal of the American Institute of Planner* 12: 23-31.
- Rapoport, A. 1969. *House, Form and Culture*. Englewood Cliffs, N.J.: Prentice-Hall.
- _____. 1987. on the Cultural Responsiveness of Architecture. *Journal of Architectural Education* 41 (1): 10-35. <http://www.jstor.org> (دسترسی در ۲۲/۹/۱۳۸۹).
- _____. 2003. *Cultura, Arquitectura y Diseño*. Barcelona: Edicions de la Universitat Politècnica de Catalunya.
- Segal, W. 1973. Home sweet home. *R.L.B.A. Journal*, Oct.: 477-480.
- Tuan, Y. 1977. *Space and Place: The Perspective of Experience*. Minneapolis: University of Minnesota Press.